

جامعه‌شناسی الگوهای دیکتاتوری و دموکراسی

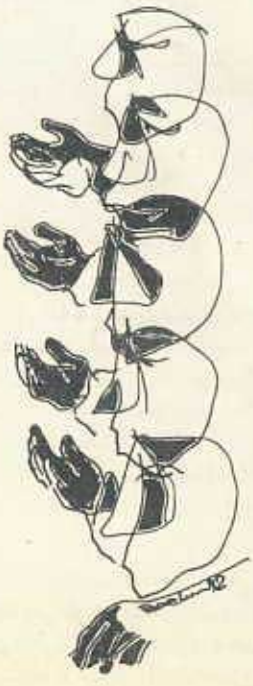
احمد قاسمی

ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی
نویسنده: بارتینگن مور
مترجم: دکتر بشیره

ورود مقولات توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی و امثالهم در مناقشات آکادمیک و نظریه‌پردازانه‌ی تئوریک از قدمت چندانی برخوردار نیست. با خاتمه جنگ جهانی دوم و افزایش توجه آمریکا به کشورهای توسعه‌نیافته، بررسی ابعاد و عقب‌ماندگی در مراکز دانشگاهی این کشور از اهمیت بسزایی برخوردار گردید. جنگ سرد به همراه موج استقلال‌طلبی کشورهای در بند استعمار در سالهای دهه ۱۹۵۰، بر اهمیت این مطالعات می‌افزود. در چنین فضای طبیعی است که طیف و دامنه نظریات این رشته از گستردگی و تنوع فراوانی برخوردار باشد. متفکران لیبرال غرب، بخصوص اندیشمندان آمریکایی که در ارتباط و تنگاتنگی با مراکز تصمیم‌گیری سیاست خارجی آن کشور قرار داشتند، مجموعه تئوریهایی را ارائه نمودند که محور اساسی آنها الگو انگاشتن کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بود. آنها معتقد بودند که توسعه در کلیت خود روندی یکپارچه و تک‌خطی است به این معنا که سرانجام تمامی کشورهای جهان مسیری را طی خواهند نمود که تاکنون کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری طی کرده‌اند. این نظریات با وجود تنوع موجود در آنها، عمدتاً با تجویز سیاستهای اقتصادی - اجتماعی تقریباً مشابه برای تمامی کشورهای عقب‌مانده، خواهان پیروی آنها از این سیاستها و ادغام هرچه بیشتر آنها در نظام سرمایه‌داری جهانی جهت رسیدن به توسعه و پیشرفت بودند. در مقابل اندیشمندان مارکسیستی قرار داشتند که ریشه‌های توسعه‌نیافتگی را در پیوند کشورهای پیرامونی با سرمایه‌داری جهانی می‌دانستند. به نظر این دسته از متفکران تا قبل از توسعه سرمایه‌داری، کشورهای جهان تقریباً دارای ساختارهای اقتصادی - اجتماعی مشابه بودند. با شکل‌گیری

امپریالیزم بتدریج جریان انتقال ثروت از پیرامون به مرکز به عامل عمده‌ای در راه تداوم عقب‌ماندگی کشورهای پیرامون تبدیل گردید. با وجود طیف وسیع نظرات این گروه، می‌توان تکیه آنها بر علت خارجی به عنوان علت اساسی عقب‌ماندگی را شاخصه مشترک تئوریهای آنان معرفی نمود. چنانکه مشاهده می‌شود هر دو گروه با وجود تفاوت‌های فراوان، در این نکته که توجه چندانی به اختلاف ساختار اجتماعی کشورهای گوناگون نمی‌نمایند مشترک می‌باشند، اما در واقعیت عینی جوامع انسانی علاوه بر تفاوت‌های کیفی و ساختاری گوناگونیهای بسیاری برخوردار می‌باشند، لذا در تبیین گذار از یک نوع جامعه به نوع دیگر توجه به این تفاوتها باید در نظر قرار بگیرد و این مسئله مستلزم توجه و استفاده از معیار روابط متحول بین طبقات اجتماعی می‌باشد. با چنین نگرشی کتاب ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی نوشته بارتینگن مور با وجود گذشت تقریباً ۴۰ سال از نگارش آن از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در مطالعات آکادمیک مربوط به توسعه برخوردار می‌باشد. مور در بررسی دلایل توسعه و عقب‌ماندگی، به عوامل داخلی اکتفا ننموده و ویژگیهای ساختار اقتصادی - اجتماعی هر کشور را مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل معرفی می‌نماید. در مطالعه ویژگیهای فوق نیز به نظر وی، محقق باید کنکاش اصلی را حول شیوه استعمار مازاد اقتصادی طبقات تولیدکننده به وسیله طبقات حاکمه قرار دهد، به عنوان مثال در ژاپن

انباشت سرمایه به وسیله بازرگانان و در نهایت انقلاب بورژوازی میجی موفق گردید تا سرمایه‌های تجاری را به راه گسترش صنعت بپردازد در حالیکه برعکس در هندوستان عدم وجود مکانیزه‌هایی برای جهت‌دادن مازاد اقتصادی به سمت تولید توسط هیأت حاکمه مانعی در شکل‌گیری سرمایه‌داری صنعتی گردید. علاوه بر علل و عوامل توسعه، نوشته مور در زمینه راهها و نتایج نوسازی نیز عمق و پیچیدگی خاصی دارد که با آرای سایر متفکران متفاوت است. مور برخلاف بسیاری از صاحب‌نظران غربی که راه توسعه را یگانه، و تک‌خطی می‌دانند که سرانجام به دموکراسی از نوع غربی آن می‌انجامد، معتقد است که سه راه عمده و متفاوت نوسازی در غرب وجود داشته است که هر یک از



ویژگیهای متفاوت ساختارهای اقتصادی - اجتماعی کشورهای درگیر شکل گرفته‌اند، لذا باید دید که چرا این جوامع به شیوه‌های گوناگون نوسازی شده‌اند و ریشه‌های این تفاوت را بررسی کرد تا از تعمیم راهبردهای تجزیه‌ی برای کشورهای گوناگون، که ویژگی‌های متنوعی مختلف متفکران لیبرال می‌باشد خودداری نمود.

مور در بررسی راهبهای سه‌گانه نوسازی در غرب، در فصل اول کتاب خود به مطالعه‌ی راه نوسازی دموکراتیک و سرمایه‌دارانه می‌پردازد. به نظر وی این راه نوسازی که ترکیبی از سرمایه‌داری و دموکراسی پارلمانی بود در انگلستان و فرانسه و آمریکا تحقق یافت. در کشورهای فوق نخست طبقه‌ی جدیدی یعنی سرمایه‌داران تجاری و صنعتی شکل گرفتند که توانستند با توسل به خشونت و عدم ائتلاف با طبقات سنتی، شیوه‌های دموکراتیک را گسترش دهند. البته ما بین کشورهای سه‌گانه فوق تنوعات و اختلافاتی نیز وجود داشته است. در انگلستان طبقه‌ی جدید فوق‌الذکر از درون اشرافیت زمین‌دار برخاست در حالیکه در فرانسه، شهرها، خاستگاه عمده‌ی این گروه را تشکیل می‌دادند و در آمریکا، شمال صنعتی محل تجمع این گروه بود که در جنگ داخلی



خونی با برده‌داران جنوب درگیر شدند. مور در بررسی این شیوه‌ی توسعه به دو مسأله‌ی مشترک میان کشورهای فوق اشاره می‌کند: یکی اشمار بیرحمانه‌ی دهقانان و طبقه‌ی کارگر توسط بورژوازی و دوم وقوع انقلابات خشونت‌آمیز.

فصل دوم کتاب، به بررسی راه نوسازی تحقق‌یافته در ژاپن و آلمان، تحت عنوان انقلاب از بالا و راه نوسازی فاشیستی اختصاص دارد. ویژگی عمده‌ی این راه، ائتلاف و سازش میان دو طبقه‌ی زمین‌دار و سرمایه‌دار تجاری و صنعتی است. علت اساسی ائتلاف فوق ضعف طبقه‌ی تجاری و صنعتی است که عاجز از کسب قدرت به طور مستقل می‌باشد، و بناچار می‌باید تا قدرت را با طبقات سنتی تقسیم نماید. در روند نوسازی فوق وجود دولت قوی و استقلال آن از طبقات نفیسی اساسی و مهم به عهده‌ی دارد، زیرا استثمار شدید توده‌ها و سرکوب نارضایتی بخشی از جناحهای بلوک قدرت که از سیاستهای توسعه‌ی صنعتی ناراضی می‌باشند لازمه‌ی این راه رشد است.

فصل سوم راه نوسازی کمونیستی یا انقلابات دهقانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. ویژگی کشورهای که در این طریق گام برداشته‌اند شکل‌نگرفتن طبقه‌ی متوسط است. این مسأله از یکسو راه اول و دوم را برای این کشورها منتفی می‌سازد و از سوی دیگر به واسطه‌ی عدم پیدایش کشاورزی تجاری، نهادهای اجتماعی - سنتی دهقانی را تداوم می‌بخشد. وجود طبقه‌ی دهقانی وسیع فوق همواره منبع شورشیهای خشونت‌آمیز است و همین نیرو سرانجام به رهبری گروههای روشنفکری، نظام قدیمی را نابود می‌کند. چین و روسیه در نمونه‌ی برجسته‌ی این راه توسعه و نوسازی هستند که در هر دوی آنها نهایتاً استثمار شدید طبقات دهقانی

به وسیله‌ی یک دولت قوی زمینه‌های انباشت سرمایه‌ی لازم جهت توسعه‌ی صنعتی را فراهم نمود. سه فصل فوق که بخش اول ترجمه‌ی کتاب را تشکیل می‌دهند در متن اصلی در انتها و به عنوان آخرین بخش ارائه گردیده و عمدتاً جنبه‌ی نظری دارد و در نهایت منجر به این نتیجه‌گیری توسط نویسنده می‌شود که سه راه فوق برای کشورهای که به دنبال توسعه و نوسازی می‌باشند اجتناب‌ناپذیر است و جدای از این سه راه، شیوه‌ی دیگری متصور نمی‌باشد که بتواند به موفقیت که همانا وصول به یک جامعه‌ی صنعتی است دسترس پیدا نماید. مور برای اثبات مدعای خود نمونه‌ی هندوستان را مثال می‌زند که بدون انتخاب هیچ‌یک از شیوه‌های سه‌گانه فوق، در جهت تغییر، تلاش نمودند و در نهایت شکست خوردند.

بخش دوم کتاب طی سه فصل به بررسی ریشه‌های انقلاب دموکراتیک سرمایه‌دارانه در انگلستان و فرانسه و آمریکا پرداخته است. مور با بررسی تحولات تاریخی سه کشور مزبور از دیدگاهی جامعه‌شناسانه روند نوسازی و توسعه آنها را پی‌گیری نموده است. تئوری ارائه شده در فصل اول کتاب منشع از مباحث این بخش و با استناد به داده‌های تجربی آن تنظیم شده است.

بخش سوم کتاب نیز به مطالعه‌ی انقلاب چین و فاشیسم آسیایی یعنی ژاپن اختصاص یافته است. خوانندگان با مطالعه‌ی این بخش می‌توانند به استنادات تاریخی و تجربی‌ای که منجر به نتیجه‌گیری تئوریک ارائه شده در فصول دوم و سوم بخش اول کتاب گردیده آگاهی پیدا نمایند.

فصل نهم کتاب مور به بررسی نمونه‌ی هندوستان تحت عنوان «دموکراسی آسیایی» اختصاص دارد. همان‌طور که در بالا ذکر شد، مور نسبت به این شیوه از توسعه بدبین بوده و سرانجام جز شکست برای آن تصور نمی‌نماید و در این فصل تلاش وی معطوف به درک و تبیین علل عدم موفقیت کشور مزبور می‌باشد. نتیجه‌گیری نهایی وی این است که در هندوستان به دلیل عدم نفوذ کامل اقتصاد بازاری در مناطق روستایی، زمینه‌های لازم برای افزایش بازده و مازاد اقتصادی فراهم نگردیده، ضمن اینکه تاریخ

تحول اجتماعی این کشور مانع پیدایش طبقه‌ای شده که بتواند مازاد اقتصادی به دست آمده از کشاورزی را در جهت توسعه‌ی صنعتی کشور به کار بیندازد. همچنین پایگاه عمده‌ی جنبش ملی هندوستان عمدتاً دهقانی بوده و این خود مانعی عمده در گسترش ایدئولوژی سرمایه‌داری در آن کشور بوده است. چنانکه گفته شد، کتاب ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی در زمینه‌ی مباحث توسعه و عقب‌ماندگی از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است و بر مباحث مطرح‌شده در جامعه‌شناسی سیاسی توسعه‌نیافتگی تأثیر بسیار گذاشته است. به دلیل همین تأثیرگذاری، نقد و بررسی آن نیز از ابعاد گسترده‌ای برخوردار گردید. مترجم در مقدمه بسیار مقید خود به پاره‌ای از انتقادات عمده مطرح‌شده به مباحث کتاب اشاره نموده است. این انتقادات می‌تواند برای مطالعه‌کنندگان فارسی‌زبان سودمند بوده و بر میزان کارایی کتاب به لحاظ توسعه‌ی پیچیدگی ذهنی خوانندگان در زمینه‌ی مباحث مطرح‌شده بیفزاید.

در خاتمه لازم است از ترجمه‌ی خوب دکتر بشیریه و حسن انتخاب ایشان در ارائه‌ی یکی از منابع اساسی مباحث توسعه به خوانندگان فارسی‌تشرک نمود، ضمن اینکه به نظر می‌رسد حذف بخشهایی از کتاب - که عمدتاً مباحث تاریخی بوده‌اند - توسط ایشان موجب شده که خوانندگان از پاره‌ای اطلاعات لازم برای درک بهتر مباحث تئوریک محروم شده باشند. این مسأله هنگامی از وضوح بیشتر برخوردار خواهد شد که به این نکته توجه داشته باشیم که اصولاً ما در ایران از کم‌بضاعتی منابع رنج می‌بریم و لذا ترجمه‌ی آن بخشها می‌توانست تا حدودی این نقیصه را به هنگام مطالعه‌ی کتاب فوق مرتفع سازد.